



صفحه ۷
۲۴ آذر ۱۴۰۳
شماره ۱۲۲

بستگی به حق التألیفش داره!



● عزیزم، می‌آی بریم هواخوری؟ امروز هوا دونفره ست.
● آخه توی این هوا؟!
● این هوا مگه چشه؟!
● پراز دود و آلودگی و... ولی خب بد هم نیست. چون واقعا خسته شدم از پس برعکس روی شاخه و ایستادم! انگشتام دیگه گرگز می‌کنه!
● ای بابا، از نقش بیرون نیا دیگه! مادریم همه چی رو برعکس می‌بینیم!
● آهان، یادم رفته بود! خب کجا بریم عشقم؟
● بریییییم... مثلاً سمت یک کوه ودشتی که خوش آب و هوا باشه.
● اوووو... بتازونیم تا اونجا؟ بابنیزین به این گرونی می‌صرفه؟! همین شهر خودمون مگه چشه؟ هوای پاک و تمیز اینجا رو ول کنیم، بریم بیرون شهر؟
● ولی خب بیرون شهر باصفا تره. تو نگران بنزینش نباش. من توی پالایشگاه آشنا دارم. این قدر بنزین زیاده، گفتم یه لوله هم به سمت ما بکشن. این جوری دیگه مجبور نیستن بنزین انبار کنن و ناترازی ایجاد بشه. ترازتاز می‌شه!
● مشکل فقط بنزین نیست. خب راستش موقعی که ما جاست فرزند بودیم، نگفتم بهت، من فوبیای سفر دارم.
● فوبیای پرواز؟
● نه خله! ما که اتومات روی پروازیم! فوبیای سفر زمینی و رانندگی.
● چه فوبیایی؟! جاده‌ها که درست و اصولی ساخته شدن، ماشینا هم که استاندارد ایمنی «یورو تو روحت!» داره.
● نه، نگران پلیسم.

● پلیسامون که همگی کاردرستن، ولی خب کارشون سخته، گاهی ممکنه نتونن قانون رو کامل اجرا کنن.
● نه، اون رو که می‌دونم. یه بار با ماشین تند می‌رفتم، پلیسه با بلندگو اعلام کرد: به نام قانون ایست. من هم ایست کردم، ولی من رو پشت فرمون دید. اون ایست کرد، ایست قلبی! فکر کنم فکر نمی‌کرد خفاش‌ها این قدر تند برن!
● خب پس باموتور بریم، کلاه ایمنی هم بذاریم. کسی بین این همه موتوری با کلاه ایمنی متوجه ما نمی‌شه!
● آلا ایندگی موتور رو چی کار کنیم؟
● موتور که دیگه آلا اینده نیست. طرح گذاشتن موتور برقی می‌دن، همه استقبال کردن! دیگه کمتر ماشین می‌بینی توی شهر!
● این برق موتور رو بامازوت سوزی تأمین می‌کنن؟
● عه... قرار شد این رو نگی دیگه!
● حق التألیفمون رو دیر دادن، مازوت سوزی رو نمی‌گفتم، هوای دلم صاف نمی‌شد!
● حالا برخی مسئولان دارن یه فکری می‌کنن!
● برخی مسئولان مگه فکر هم می‌کنن؟!
● این رو واقعی گفتم یا برعکس؟!
● بستگی به حق التألیفش داره!

پزشکیان:

دربرق و آب و گازو بنزین و پول مشکل داریم، ولی به هرچی می‌خواهیم دست بنزینیم، می‌گویند به این دست نزن.

ایرج طهماسب:
در تربیت بچه مشکل داریم، ولی هرچه می‌خواهیم ادبش کنیم، می‌گویند از مادر نراییده است به تربیت من دست بزنند.



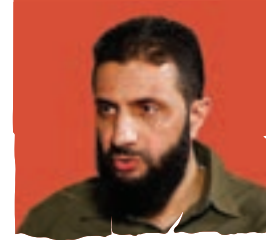
پیمان جبلی:
در سریال سازی و جذب مخاطب مشکل داریم، ولی تامی گوییم بگذارید همان تکرار مختار و جومونگ را پخش کنیم، می‌گویند نه چون هرکی دوست داری.



قلعه نویی:
در دفاع و حمله و خط میانی و حتی دروازه بان مشکل داریم، ولی بین دو نیمه به هر جای ترکیب دست می‌زنم، نتیجه بدتر می‌شود.



جولانی:
با ترکیب نقشه غرب آسیا مشکل داریم، ولی به هر جا که حمله می‌کنیم، اسرائیل هم باهمان جام مشکل دارد. عجیب است، نه؟



خودروساز:
در ایمنی و کیفیت و مصرف سوخت خودروها مشکل داریم، ولی با اینکه به هیچ جایش دست نمی‌زنیم، باز برای خرید صف می‌کشند.

